

www.ketab.ir

چلچراغ روشن طهران

زندگی‌نامه‌ی چهل نفر از برجستگان
علم، هنر، ادب و فرهنگ ایران در قرن اخیر

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

سرشناسه: جلالی، بیژن، ۱۳۲۵ -

عنوان: چلچراغ روشن ایران: زندگی‌نامه‌ی چهل نفر از برجستگان علم، هنر، ادب و فرهنگ ایران در قرن اخیر

پدیدآورنده: بیژن جلالی

مشخصات نشر: تهران: الکا، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۲۲۴ ص. مصور (رنکی)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۲۲-۰۷-۲

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

عنوان دیگر: زندگی‌نامه‌ی چهل نفر از برجستگان علم، هنر، ادب و فرهنگ ایران در قرن اخیر

موضوع: سرگذشت‌نامه -- مجموعه‌ها

موضوع: Biography -- Collections

رده‌بندی کنگره: ۸۱۳۹۵ ج۲۸/ق۳/CT۲۰۳

رده‌بندی دیویی: ۹۲۰/۰۲

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۴۵۲۷۹۹۱

همه‌ی حقوق این اثر، برای نشر الکا محفوظ است

نشر المهران، تهران، مشارخان، دریان نو، خیابان یکم، کوچه‌ی غلامی، پلاک ۷، ط اول

تسن: ۱۰۰۶۰۹

عنوان: چلچراغ روشن طهران: زبانی‌نامه‌ی چهل نفر از برجستگان علم، هنر، ادب و فرهنگ ایران در قرن اخیر

پدیدآورنده: بیژن جلالی

مدیر هنری و طراح گرافیک: فاطمه رضائی

حروف چین: فرحناز رسولی

صفحه‌آرا: فاطمه رضائی

لیتوگرافی: واژه‌پرداز اندیشه

چاپ متن و جلد: واژه‌پرداز اندیشه

صحافی: واژه‌پرداز اندیشه

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

بها: ۳۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۲۲-۰۷-۲

همه‌ی حقوق این اثر، برای نشر الکا محفوظ است

فهرست

۱۱	پیش‌نوشتار
۱۷	۱. سیمین دانشور (۱۳۰۰)
۲۱	۲. ابراهیم گلستان (۱۳۰۱)
۲۵	۳. جلال آل‌احمد (۱۳۰۲)
۳۱	۴. عزت‌الله انتظامی (۱۳۰۳)
۳۵	۵. محمدعلی اسلام‌نژاد (۱۳۰۳)
۴۱	۶. ایرج افشار (۱۳۰۴)
۴۵	۷. احمد شاملو (۱۳۰۴)
۵۳	۸. محمد ابراهیم باستانی یاریزی (۱۳۰۵)
۵۹	۹. فریدون مشیری (۱۳۰۵)
۶۳	۱۰. امیرھوشنگ ابتهاج (۱۳۰۶)
۶۹	۱۱. سیمین بهبهانی (۱۳۰۶)
۷۵	۱۲. ایرج پزشک‌زاد (۱۳۰۶)
۷۹	۱۳. سهراب سپهری (۱۳۰۶)
۸۵	۱۴. مهدی اخوان ثالث (۱۳۰۷)
۹۱	۱۵. پرویز مؤیدعهد (۱۳۰۸)
۹۷	۱۶. حسین صادقی (۱۳۰۸)
۱۰۱	۱۷. نجف دریابندی (۱۳۰۸)
۱۰۷	۱۸. محمود فرشچیان (۱۳۰۸)
۱۱۱	۱۹. حبیب‌الله بدیعی (۱۳۱۲)
۱۱۵	۲۰. فروغ فرخ‌زاد (۱۳۱۳)

۱۱۹	۲۱. غلامحسین ساعدی (۱۳۱۴)
۱۲۵	۲۲. مرتضی ممیز (۱۳۱۵)
۱۳۱	۲۳. مجید سمیعی (۱۳۱۶)
۱۳۷	۲۴. هوشنگ گلشیری (۱۳۱۶)
۱۴۳	۲۵. لوریس چکنواوریان (۱۳۱۶)
۱۴۷	۲۶. صمد بهرنگی (۱۳۱۸)
۱۵۳	۲۷. غلامحسین امیرخانی (۱۳۱۸)
۱۵۷	۲۸. نوشیروان روحانی (۱۳۱۸)
۱۶۱	۲۹. محمد صالح رفیع کدکنی (۱۳۱۸)
۱۶۷	۳۰. محمد رضا جبران (۱۳۱۹)
۱۷۳	۳۱. محمود دولت‌آبادی (۱۳۱۹)
۱۷۹	۳۲. عباس کیارستمی (۱۳۱۹)
۱۸۵	۳۳. محمدعلی سپانلو (۱۳۱۹)
۱۹۱	۳۴. مسعود کیمیایی (۱۳۱۹)
۱۹۵	۳۵. حسین امانت (۱۳۲۱)
۱۹۹	۳۶. محمد سریر (۱۳۲۳)
۲۰۳	۳۷. فریدون مجلسی (۱۳۲۳)
۲۰۹	۳۸. علی حاتمی (۱۳۲۳)
۲۱۳	۳۹. محمد رضا لطفی (۱۳۲۵)
۲۱۹	۴۰. فیروز نادری (۱۳۲۵)
۲۲۳	درباره‌ی نویسنده

در سال ۱۳۹۳ (۲۰۱۴ میلادی)، کتاب: چلچراغ خاموش پاریس را که فشرده‌ای از زندگی‌نامه‌ی چهل نفر از برجستگان جهان هنر، ادب و فرهنگ اروپا در سه قرن اخیر بود، نگاشت.

در ضمن نگارش، همواره در این اندیشه بودم که اگر فرصتی دست دهد، این بار به زندگی‌نامه‌ی چهار تن از برجستگان علم - هنر - ادب و فرهنگ ایران معاصر بپردازم. از آنجا که شمار شخصیت‌های مورد نظر بیش از چهل نفر می‌شد، معیار انتخاب را زاده‌شدگان سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۵ خورشیدی ایرانی (یا ۱۹۲۱ تا ۱۹۴۷ میلادی) در نظر گرفتم. چه، این گروه سنی از بهترین نمونه‌های فرهیختگان زاده‌شده از دوره‌ی آخرین پادشاه رضا شاه پهلوی تا سال‌های میانی سلطنت محمدرضا شاه هستند که حداقل خود ناظر و شاهد برخی از جنبش‌ها و انقلاب‌های سرنوشت‌ساز در ایران امروز بودند و هم‌چنین خود نیز حاصل خیزش‌های اجتماعی و فرهنگی سرنوشت‌ساز در ایران تحول و تاریخ مدرن ایران. صدا البته بدون توجه به رده‌بندی‌های دیگر از قبیل مرام‌های سیاسی یا عقاید و گرایش‌های شخصی‌شان، و چنین شد که دفتر حاضر شکل گرفت و در دستان شما نشست.

در نگارش این دفتر از منابع زیر بهره جست‌ام:

۱. سایت‌ها و آثار و نوشته‌های شخصی شخصیت‌های کتاب.
۲. کتاب: ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی، نوشته‌ی پرفسور پروانه آبراهامیان، ترجمه‌ی: کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری و محسن مدیر شانه‌چی، نشر مرکز ۱۳۹۲.
۳. کتاب: کودتا، نوشته‌ی پرفسور پروانه آبراهامیان، ترجمه‌ی محمدابراهیم فتاحی، نشر نی ۱۳۹۲.
۴. دانشنامه‌ی آزاد اینترنتی ویکی‌پدیا.

جنبش‌های سیاسی و اجتماعی ایران در یکصد و شصت و پنج سال اخیر

مهم‌ترین پدیده در تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در سه قرن اخیر، دوره‌ی یکصد و شصت و پنج ساله‌ی بین سال‌های ۱۲۳۰ خورشیدی ایران تا زمان حال (۱۳۹۵ خ یا ۱۸۵۱ تا ۲۰۱۶) می‌باشد که دوره‌ای اثرگذار در سرنوشت تاریخی کشور کهن‌سال ایران است که پس از گذار از فراز و فرودهای بسیار بالاخره به امروز رسیده است.

عاز شکل‌گیری این جنبش‌ها را باید نخست در تأثیر انکارناپذیر تمدن غرب بر این کشور دانست که این مهم یا اعزام اولین دانشجویان ایرانی در زمان عباس میرزا، تاجار آزاده ۱۱۶۸- در گذشته ۱۲۱۲ خورشیدی یا ۱۷۸۹ تا ۱۸۳۳ میلادی] ه سال ۱۱۹ خورشیدی (۱۸۱۲ میلادی) به اروپا به منظور تحصیل، و حدود چهل سال بعد از آن در سال ۱۲۳۰ خورشیدی (۱۸۵۱ میلادی) تأسیس مدرسه‌ی دارالفنون که می‌توان آن را نخستین دانشگاه تاریخ مدرن ایران نامید عملی گردید.

گشایش مدرسه‌ی دارالفنون رست ۱۳ روز پیش از قتل میرزاتقی‌خان فراهانی امیرکبیر روی داد. پس از آن تا سال ۱۲۳۷ تا ۱۲۹۰ خ. (۱۸۵۸-۱۹۱۱ میلادی) چهل و دو نفر دیگر که اکثراً دانش‌آموختگان همین مدرسه‌ی دارالفنون بودند جهت ادامه‌ی تحصیل راهی اروپا گردیدند.

در آن زمان رابطه‌ی سست و ضعیف حکومت تاجران مردم جامعه، زمینه‌ساز نفوذ غرب به‌ویژه نفوذ اقتصادی‌اش گردیده بود که اندام بازار را هدف گرفته و تهدید می‌کرد. اثرات این کنش‌ها و واکنش‌ها ناراحتی ششک بین طبقات مختلف صنفی بود. از سوی دیگر تماس با غرب به‌ویژه تماس‌های عقیدتی از طریق نهادهای نوین آموزشی - پیدایش مفاهیم جدید و آرزوهای تازه، طقه‌ای نوظهور موسوم به روشنفکران (منورالفکرها) را پدید آورد و از هم‌فکری و هم‌کاری این گروه‌های طبقاتی، بستر مناسب برای خیزش‌های انقلاب‌گونه‌ی اجتماعی فراهم گردید.

در سال ۱۲۷۵ خورشیدی (۱۸۹۶ میلادی) ناصرالدین‌شاه درحالی که در تدارک جشن‌های پنجاهمین سال سلطنتش بود در حرم حضرت عبدالعظیم به دست یکی از پیروان سید جمال‌الدین اسدآبادی هدف تیر قرار گرفت و کشته شد. گلوله‌ی وی نه‌تنها عصر ناصرالدین‌شاه را به پایان آورد، بلکه آغازی برای

پایان گرفتن سلسله‌ی قاجار بود.

سلطنت شاه جدید مظفرالدین‌شاه (زاده ۱۲۳۲ - درگذشته ۱۲۸۵ خ. یا ۱۸۵۳ تا ۱۹۰۶ م.) با اعمال سیاست‌های اقتصادی نامطلوب، انقراض رژیم را ناخواسته جلو انداخت.

انجمن‌های مختلف روشن‌فکری در نقاط مختلف کشور و شهرهای بزرگ تشکیل شد و مدارس متوسطه‌ی خصوصی زیادی تأسیس گردید.

گرچه مظفرالدین‌شاه امیدوار بود با روش آزادمنشی‌اش مخالفان سیاسی را بتواند راضی سازد اما هم‌زمان با نفوذ شدید غرب، لبرالسیم صرفاً مخالفان سیاسی را به تشکیل سازمان‌های نیمه‌مخفی ترغیب می‌کرد.

بدین‌سان ایران در سال ۱۲۸۴ خ. (۱۹۰۵ م.) به سرعت به سوی یک انقلاب سیاسی در حرکت بود. آخرین تکان را بحران اقتصادی اواخر سال ۱۲۸۳ خ. (۱۹۰۴ م.) وارد کرد.

نامرغوب بودن محصولات کشاورزی در سراسر ایران و رکود ناگهان تجارت شمال کشور به علت شیوع وبا و جنگ روسیه و ژاپن و به دنبال آن انقلاب کبیر روسیه، سبب گرانی و افزایش سن قیمت مواد غذایی در داخل ایران گردید. دولت وقت با توجه به کاهش درآمد کمرکات به این بحران دامن زد و اعتراضات عمومی را برانگیخت که به علت بی‌کفایتی حکومت در حل بحران و جریحه‌دارکردن احساسات ملی و مذهبی مردم، منتهی اعتراضات بیش‌تر و بیش‌تر شد و بالاخره منجر به جنبش مشروطه گردید که نهایتاً در تاریخ چهاردهم مردادماه سال ۱۲۸۵ خورشیدی یا (ششم اوت ۱۹۰۶ میلادی) که منتهی به امضای قانون مشروطه شد.

روی‌داد مهم بعدی درگذشت مظفرالدین‌شاه قاجار بود که چهار روز بعد از امضای قانون اساسی مشروطه یعنی در روز ۱۲ دی‌ماه ۱۲۸۵ خورشیدی (۱۱ اسفند ۱۳۰۷ میلادی) اتفاق افتاد و محمدعلی‌شاه به سلطنت رسید.

بالاگرفتن اختلافات بین گروه‌های مشروطه‌خواه و محمدعلی‌شاه قاجار و اعتراضات مردمی موجب شد که در روز سه‌شنبه دوم تیرماه سال ۱۲۸۷ خورشیدی (۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ میلادی) به دستور محمدعلی‌شاه قاجار، قسمتی از ساختمان مجلس شورا با شلیک توپ نظامی تخریب گردید. که در تاریخ از آن به عنوان واقعه‌ی به‌توپ‌بستن مجلس یاد می‌شود.

محمدعلی شاه نیز در تاریخ ۲۲ تیرماه سال ۱۲۸۸ خ. (سیزدهم ژوئیه ۱۹۰۹ م.) از مقام سلطنت خلع و مجبور به ترک ایران گردید و پسر ۱۲ ساله اش احمدشاه قاجار (زاده ۱۲۷۶ و درگذشته ۱۳۰۱ خ.؛ ۱۸۹۷ تا ۱۹۲۹ م.) که هفتمین و آخرین شاه قاجار (زاده ۱۲۷۶ و درگذشته ۱۳۰۱ خ.؛ ۱۸۹۷ تا ۱۹۲۹ م.) بود به سلطنت رسید.

در زمان سلطنت احمدشاه قاجار، رضاخان میرنچ (زاده ۱۲۵۶ - درگذشته ۱۳۰۲ خ.؛ ۱۸۷۷ تا ۱۹۴۴ م.) که از سران فوج قزاق بود ابتدا به عنوان وزیر جنگ و سپس در روز سوم اسفندماه ۱۲۹۹ خورشیدی (۲۲ فوریه ۱۹۲۱ م.) با یک کودتای نظامی، احمدشاه را از سلطنت معزول و خود به نخست‌وزیری رسید و بعد از آن نیز در روز چهارم اردیبهشت سال ۱۳۰۵ خ. (۲۵ آوریل ۱۹۲۶ م.) در تهران به عنوان پادشاه تاج‌گذاری کرد و به سلطنت رسید.

رضاشاه پس از پیروزی از پانزده سال سلطنت مقتدرانه در روز سوم شهریورماه ۱۳۲۰ خ. (۲۵ اوت ۱۹۴۱ م.) سلطنت را به پسرش محمدرضا پهلوی (زاده ۱۲۹۸ - درگذشته ۱۳۵۹ خ.؛ ۱۹۱۹ - ۱۹۸۰ م.) واگذار نمود و خود به ژوهانسبورگ در آفریقای جنوبی تبعید گردید که نهایتاً در دوم مردادماه ۱۳۲۳ (۲۴ ژوئیه ۱۹۴۴ م.) در ژوهانسبورگ درگذشت.

در دوره سلطنت ۳۷ ساله محمدرضا، ملوی وقایع و جنبش‌های سیاسی و اجتماعی مهمی در ایران رخ داد.

نخستین خیزش اثرگذار در تیرماه سال ۱۳۳۱ خورشیدی (ژوئن ۱۹۵۲ م.) در زمان نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق روی داد که به دنبال یک‌سری وقایع مرتبط به یکدیگر. دکتر مصدق در روز ۲۵ تیرماه ۱۳۳۱ خ. (۱۶ ژوئیه ۱۹۵۲ م.) اجباراً از نخست‌وزیری استعفا کرد و مجلس وقت قوام‌السلطنه را به نخست‌وزیری برگزید.

مردم ایران که از برکناری دکتر مصدق خشمگین بودند، در پی چهار روز تظاهرات در حمایت از مصدق که به کشته شدن ۱۸۰ نفر در سراسر ایران انجامید موفق شدند دولت قوام‌السلطنه را ساقط نمایند. و در روز سیام تیرماه نیروهای ارتش به دستور محمدرضاشاه به خیابان‌های تهران و اطراف مجلس آمده و برای سرکوبی تظاهرات به مردم شلیک کردند. با ادامه تظاهرات و کوشش‌های مردمی و اعتراضات، نمایندگان طرفدار دکتر مصدق در مجلس و دیدار عده‌ای

از آن‌ها با شاه تیراندازی قطع شد و شاه دوباره با نخست‌وزیری دکتر مصدق موافقت نمود.

در ادامه‌ی تنش‌های سیاسی بین دربار و دولت دکتر مصدق در مردادماه سال ۱۳۳۲ خ. (۱۹۵۲ م.) و حمایت مالی و اجرایی سازمان مخفی اطلاعات بریتانیا و آژانس اطلاعات مرکزی امریکا (سیا) کودتایی در روز ۲۸ مردادماه سال ۱۳۳۲ خورشیدی (۱۹ اوت ۱۹۵۳ م.) به وقوع پیوست و دولت دکتر مصدق را سرنگون نمود و سرلشکر فضل‌الله زاهدی امور دولت را در دست گرفت.

این حرکت دومین رویداد مهم دوران سلطنت محمدرضاشاه پهلوی می‌باشد. رویداد مهم دیگر، ده سال بعد یعنی در روز پانزدهم خردادماه سال ۱۳۴۲ خ. (پنجم ژوئن ۱۹۶۳ م.) به دنبال دستگیری و تبعید یکی از روحانیون معترض به تغییرات اجتماعی، موسوم به انقلاب سفید شاه و ملت به نام آیت‌الله روح‌الله خمینی رخ داد که سرآغازگر انقلاب بزرگ‌تری گردید که در حقیقت سومین و آخرین خیزش سیاسی ملت ایران در دوران محمدرضاشاه پهلوی بود.

پانزده سال بعد از آن در سال ۱۳۵۷ خورشیدی (۱۹۷۹ میلادی) به دنبال ناآرامی‌های استانی و منطقه‌ای که سرعت سیاسی شد و هم‌زمان با خروج شاه از کشور و بازگشت آیت‌الله خمینی از تبعید به اوج خود رسید تا بالاخره در روز بیست‌ودوم بهمن‌ماه سال ۱۳۵۷ خورشیدی (۱۱ فوریه‌ی ۱۹۷۹ م.) با پیوستن ارتش به مردم انقلابی و سقوط حکومت خانان پهلوی، حکومت جمهوری اسلامی به رهبری آیت‌الله روح‌الله خمینی در کشور برپا و مقرر گردید.